

با سلام و احترام

۱- صوت با کمی ویرایش - حذف و اضافات - تبدیل به نوشتار شده است.

۲- جهت بررسی بهتر یا ارائه، نیاز به فایل تصویری اجرا می‌باشد که می‌توانید آن را از [سایت سعدا](#) دریافت نمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

(جلسه پنجم)

توصیه ها

۱- علم و دانش

توصیه اول پیرامون علم و دانش بود که جلسه گذشته قدری درباره آن گفتگو کردیم.

۲- معنویت و اخلاق

توصیه دوم پیرامون معنویت و اخلاق است.

حضرت آقا می‌فرمایند:

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خُلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

این خیلی نکته‌ی عجیبی است: ثروت بدون معنویت، جهنم می‌شود. واقعیت این نیست؟! شما فروپاشی خانواده را نگاه کنید، در غرب به چه صورت است؟

کاهش ازدواج‌ها از آن طرف افزایش طلاق، در حدود ۴۰ یا ۵۰ سال ازدواج‌ها روز به روز کاهش پیدا کرده در حالیکه طلاق‌ها افزایش پیدا کرده، این شمعه‌های بلندی که ملاحظه می‌فرمایید (در تصویر) ازدواج‌هاست و این شمعه‌های کوچک که خاموش شده طلاق‌ها است!

■ آمار ازدواج و طلاق در دنیا

طلاق‌ها ۲۵۱٪ افزایش داشته! میانگین طلاق الان ۴۴٪ است، تقریباً از هر دو تا ازدواج یکی به طلاق منجر شده است، این ۱۰ کشور پرطلاق دنیا و این ۱۰ کشور کم طلاق دنیا، لوکزامبورگ (کشوری در غرب اروپا، هم‌مرز با آلمان، فرانسه و بلژیک) ۸۷٪ طلاق، حالا شما حساب کنید چطور؟ من تصورم این است که اینها لحظه‌ای که ازدواج می‌کنند میان بیرون و با اولین تفاهم (!) از هم جدا می‌شوند! احتمالاً همین طوری است و گرنه ۸۷٪ طلاق چگونه اتفاق می‌افتد؟ از هر ۱۰ ازدواج ۹ تا به طلاق منجر می‌شود. اسپانیا ۶۵٪، فرانسه ۵۵٪، روسیه ۵۱٪، آمریکا ۴۶٪.

یک زمانی ازدواج زیاد باشد طلاق هم زیاد باشد خب، اما ازدواج کم شده و طلاق زیاد! این هم کشور کم طلاق دنیا، اینجا جای خوبی نیست که خودمان را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم بالاخره ما یک طلاق هم در کشورمان خوب نیست ولی بالاخره جزء ۱۰ کشور کم طلاق دنیا هستیم. [که البته در ایران هم اگر به هر دلیلی - گاهی به صلاح - از هم جدا می‌شوند اینطور نیست که فرزندان رها شوند و یا مورد بی توجهی والدین باشند]

حالا یک نفر ممکن است بگوید طلاق چه ربطی به معنویت دارد؟ ربطش این تصویر است، کسانی که به یک دینی اعتقاد دارند از میانگین دنیا سطح طلاقشان کمتر است، میانگین طلاق ۴۴٪ بود، طلاق مسیحیان ۳۷٪، طلاق یهودیان ۲۸٪، مسلمانان ۲۰٪ یعنی آنجا از هر دو ازدواج یکی به طلاق می‌رسد ولی برای مسلمانان از هر ۵ ازدواج یکی به طلاق رسیده است، بودا و هندو هم که دین ابراهیمی نیستند و هندوئیان هم قانون خاص خودشان را دارند، مثلاً اگر طلاق بگیرد طرف را دفن می‌کنند، یا اگر طلاق بگیرد زن را می‌سوزانند، لذا ترجیح می‌دهد بسازد و بسوزد تا اینکه بسوزد، یا بعضی‌ها طلاق را ممنوع می‌دانند.

تجربه‌ی در معرض تجاوز قرار گرفتن:

تجاوز، نه آزار جنسی، ۱۹ و یک دهم درصد یعنی از هر ۵ زن آمریکایی، ۱ نفر مورد تجاوز قرار می‌گیرد. این هم آمار آزار جنسی است، گزارش‌هایی که به پنتاگون داده می‌شود روز به روز در حال افزایش است، گزارش‌هایی که به واسطه‌ی آزارهای جنسی داده می‌شود. ازدواج‌های قانونی در عرض ۴۰ سال، از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۸ نصف شده، نکته‌ی عجیب اینجا است که ازدواج‌های غیرقانونی ده‌ها برابر شده!

افزایش کودکان نامشروع در دنیا:

آمریکا حدود ۵۰ سال پیش ۱۰٪ زاد و ولدهایش کودک نامشروع بوده، الان ۴۰٪ است! فرانسه ۵٪ بوده، الان ۶۰٪ تولدهای در فرانسه از راه نامشروع است! خب می‌بینید کسانی که کودک نامشروع هستند اینها عموماً با مادر زندگی می‌کنند، فقط ۱۲٪ با پدر زندگی می‌کنند، حالا ممکن است کسی بگوید این چیزها را ما بد می‌دانیم اما خارجی‌ها از راه نامشروع فرزندآوری را بد نمی‌دانند. در آمریکا ۶۶٪ گفتند این بچه‌هایی که با مادر مجرد زندگی می‌کنند برای جامعه مضر هستند، پس می‌بینید که غرب این را هم بد می‌داند. از بچه‌هایی که با مادر مجرد دارند زندگی می‌کنند فقط ۶/۵٪ این مادران همسران‌شان از دنیا رفته‌اند، بقیه ۳۷٪ طلاق گرفتند، ۴۱٪ اصلاً همسر نداشتند ولی بچه‌دار شدند، فروپاشی خانواده یعنی این! فقط ۶/۵٪ همسرشان مردند بقیه یا طلاق هست یا از راه نامشروع بوده است.

ضررهای این اتفاق چیست؟

۷۰٪ از تمام جرم‌هایی که در آمریکا اتفاق می‌افتد از کسانی است که با مادر مجرد زندگی می‌کنند. دقیقش را در این تصویر ببینید، این تصویر مهمترین تصویری است که خدمت‌تان عرض می‌کنم.

ممکن است یک نفر بگوید چه ایرادی دارد حالا از راه نامشروع به دنیا آمدند با مادرشان زندگی می‌کنند. مشکل این است که ۶۳٪ خودکشی‌ها، ۹۰٪ فرار از منازل، ۸۵٪ سوء رفتارها، ۸۰٪ تجاوز با انگیزه‌ی خشم، ۷۱٪ اخراج از مدارس، ۷۵٪ مصرف مواد مخدر، ۷۰٪ زندانیان و ۸۵٪ زندانیان جوان، کسانی هستند که تک والدین هستند، با والدین مجرد زندگی می‌کنند، می‌بینید چه اتفاقی می‌افتد؟ چه دقیق فرمود آقا سیدعلی عزیز: که اگر معنویت نباشد هر چقدر هم ثروت باشد آنجا به جهنم تبدیل می‌شود.

■ کاهش چشم‌گیر نرخ فرزندآوری

در ایران هم متأسفانه وضع خوبی نیست. از هر ۵ بارداری ۱ بارداری سقط جنین می‌شود، در آمریکا ۲۰٪ حامله‌ها سقط جنین می‌کنند. این تصویر هم که پیر شدن روز به روز جمعیت آمریکا و خرج‌های سنگینی که برای مراقبت از پیرها است.

■ جرم و جنایت

این آمار زندانیان در ارتکاب قتل در آمریکا است.

■ نرخ تجاوز

این هم آمار نرخ تجاوز همین کشورهای چشم و دل سیر، همین کشورهایی که با شخصیت هستند که حتی کنار زنشان هم نمی‌آیند، این قدر آدم‌های خوبی هستند، نرخ تجاوزاتشان را هم ببینید چه خبر است!

■ بالاترین تعداد زندانیان در دنیا

از هر ۱۰۰ هزار نفر افزایش زندانیان: رنگ آبی؛ آمریکا، رنگ قرمز میانگین است و رنگ سبز هم زنان.

این هم هزینه‌ی سنگین آمار جرائم و زندانیان: هر آمریکایی به‌ایزای هر جرمی که انجام می‌شود بیش از ۴۰۰۰ دلار پول می‌دهد، نه پیشگیری از جرم، خرج بالای دادگاه قاضی زندان و خوراک و تمام اینها.

■ نرخ بالای خودکشی

کره، هند، ژاپن، فرانسه، آمریکا، سوئیس، سوئد، میانگین جهان تا ایران باز هم فرمایش آقا: نبود معنویت، زندگی را برای انسان جهنم می‌کند حتی اگر از لحاظ اقتصادی خوب باشد. اینها کشورهای ثروتمند هستند ولی بالاترین آمار خودکشی را دارند.

■ آمار بیماری روحی و روانی

هرچه کشورها درآمدشان بیشتر می‌شود آمار بیماری روحی روانی هم بیشتر می‌شود.

ببینید: کشورهای با درآمد پایین، کشورها با درآمد متوسط، کشورها درآمد رو به بالا و کشورها با درآمد بسیار بالا.

سومین عامل مرگ و میر جوانان در آمریکا خودکشی است.

آقا می‌فرمایند: اخلاق و معنویت البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره‌ای ایجاد کنند.

ممکن است برای شما سؤال شود پس حجاب چی؟ حجاب اصلا قدرت قاهره ندارد، حجاب ۲۹ ارگان موظف هستند پیرامون حجاب، ۲۸ ارگانش قرار است فرهنگ سازی کنند و کار کنند که کار خاصی نکردند، یک ارگان قرار است با قدرت قاهره برخورد کند آن هم نیروی انتظامی است، وقتی بقیه انجام ندادند این پُر رنگ شده و گرنه اگر آنها انجام می‌دادند به این وضع کشیده نمی‌شد. [گرچه مساله خیلی فراگیر نیست اما با این حال مناسب کشور شیعه نیست که امروز به این مقدار منابع و محتوای اصیل و ارزشمند دسترسی دارند اما گاهی برخی خانمها با اوضاع خودمحوری زننده ای در فضای اجتماعی ظاهر می‌شوند!]

وظیفه‌ی حکومت‌ها

پس وظیفه حکومت‌ها برای معنویت چیست؟

اولا: خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند.

الناس علی دین ملوکهم؛ مردم بردین پادشاهانشان هستند.

- ولید ابن عبدالملک پادشاه شد، خیلی آدم پول پرستی بود، می‌گویند مردم که به هم می‌رسیدند از پولهایشان می‌گفتند، یکی می‌گفت من اینقدر دارم، دیگری می‌گفت من اینقدر سکه دارم.
- سلیمان ابن عبدالملک که آمد، اهل تاج و تخت و ساخت و ساز بود، به گونه‌ای که مردم که به هم می‌رسیدند درباره معماری خانه‌هایشان صحبت می‌کردند.
- عمر ابن عبدالعزیز که آمد آدم عابدی بود، مردم در مسجد دیگه جا نداشتند از بس مساجد شلوغ بود. وظیفه‌ی حکومت‌ها این است که اولاً خودشان منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند.

ثانیا: زمینه را در جامعه برای رواج آن فراهم کنند.

چطوری؟

- ✓ **به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند، مثلا بودجه‌ی بسیج باید چند برابر** شکل‌های دیگر دانشگاه باشد، آقا: می‌فرمایند باید به کانون‌های مذهبی بها دهند، بودجه دهند، کار کنند.
- ✓ **باکانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزد و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را به زور و فریب جهنمی کنند.**

۳- اقتصاد

اقتصاد: یک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری، و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز سلطه و دخالت دشمنان است.

خب حالا جریان اقتصاد را وارد شویم:

سازمان‌های بین‌المللی دو راه جلوی پای کشورها می‌گذارند:

- یا می‌توانید با دنیا تعامل کنید، کمک کنید به هم، رشد اقتصادی پیدا کنید.
- یا می‌توانید منزوی بشوید و بگویید ما روی پای خودمان می‌ایستیم، منزوی می‌شویم.

سازمان تجارت جهانی

برای اینکه اینها بتوانند جهانی شدن را محقق کنند - که بهش می‌گویند. گلوبالیزیشن (globalization) - برای تحقق آن، چه می‌کنند؟ یک سازمان زدند به نام سازمان تجارت جهانی، با چه هدفی؟ برای کاهش تعرفه‌های تجاری بین کشورها.

یک سری کشور ثروتمند بودند و یک سری کشور فقیر

کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر گفتند:

- شما گناه دارید ما هم ثروتمندیم بیاید به شما کمک کنیم، ما هم می‌آییم در کشور شما کارخانه می‌زنیم.

- خب کارخانه زدید چه اتفاقی می‌افتد؟

- کارگرتان کار می‌کند و پول در می‌آورد.

- حالا ما در این قبال برای شما چه کاری انجام دهیم؟

- هیچی از ما مالیات نگیرید و این وسط عوارض ورود و خروج کالا را بردارید، اگر کالا آوردیم و بُردیم شما عوارض را بردارید.

این می‌شود سازمان جهانی شدن! این کشورهایی که به آنها متصل هستند، ما جزء سازمان تجارت جهانی نیستیم.

گزارش گاردین (Guardian)

تیترش این است: کمک وارونه

چگونه کشورهای فقیر به ثروتمند شدن کشورهای توسعه یافته کمک می‌کنند؟

برعکس شد! قرار بود کشورهای ثروتمند به فقیر کمک کنند، این میزان ثروتی است که سالانه کشورهای ثروتمند به

کشورهای فقیر کمک می‌کنند، این هم مبلغی است که سالانه از کشورهای فقیر پس می‌گیرند:

■ قانون تریپس (Trips)

■ ظرف مالکیت

■ معافیت مالیاتی

■ فرار مالیاتی

- بهره‌های بانکی
- کاهش ارزش آن کشورها و امثال این‌ها

نگاه کنید، یک کارخانه ای در مکزیک می‌زند، یک محصولی تولید می‌کند، این محصول از کیست؟ از خود آمریکا است چون آمریکا زده، چرا آمده اینجا، چون نیروی کار ارزان قیمت است. این را برمی‌دارد می‌برد و چیزی برای آن کشور نمی‌ماند! بدون مالیات! حالا بنده در مورد مکزیک عرض می‌کنم. گزارشی که می‌دهند می‌گویند: به ازای هر ۱ دلار که کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر کمک می‌کنند، ۲۴ دلار پس می‌گیرند.

چه سالی تجارت جهانی اتفاق افتاد؟

تعرفه‌های جهانی و تجارت جهانی و امثال اینها که سالی اتفاق افتاد؟ سال ۱۹۸۰ آمریکای لاتین است. جی دی پی (GDP) تولید ناخالص داخلی در حال افزایش است؛ این رنگ سیاه پررنگ در تصویر تا سال ۱۹۸۰ که سازمان تجارت جهانی و کاهش تعرفه‌های جهانی و پیمان‌های جهانی اتفاق افتاد. می‌گویند اگر به آن سازمان‌ها متصل نمی‌شد؟ یک رشدی داشت که به این جا رسیده بود، اما چون به این کشورها متصل شد الان اینجا است، این وضع آفریقا است، اگر کاهش تعرفه‌های تجاری و پیمان‌های تجاری بین المللی را رعایت نمی‌کرد الان کجا بود؟ حالا که رعایت کرده، کجا است؟

یکی نیست به این مسئولین بگوید این وضع دنیاست، نشان داده وضع دنیا چطوری است شما چرا دوباره می‌خواهید تجربه کنید؟ این نکته‌ی مهمی است، فرانسه و انگلیس و آمریکا، نشان می‌دهد اینها در آن زمان که می‌خواستند خودشان پیشرفت کنند بیشترین سیاست‌های حمایتی را می‌گذاشتند، بیشترین مالیات و عوارض و گمرک را برای کالاهایی که می‌خواستند وارد کشورشان شود را می‌گذاشتند، بیشترین کمک را به کارخانه‌های خودشان می‌کردند تا پیشرفت کنند! این‌ها قرار است پیشرفت دهند، تا سال ۱۹۸۰ دیگر وقتی خودشان به قدرت رسیدند، تعرفه‌ها را برداشتند.

این هم سرانه‌ی تولید ناخالصی آمریکا در مقابله با آفریقا و خاورمیانه [غرب آسیا] و جاهای دیگر:
این‌ها کجا هستند؟ این کجاست؟ ۱ از کدام سال؟ ۱۹۸۰
ببینید چه اتفاقی افتاد؟

این روند ثروت ۱٪ ثروتمند در آمریکا، انگلیس و فرانسه است:
این تصویر مربوط به آمریکاست که روز به روز ثروت ۱٪ داشته کم می‌شده، تا سال ۱۹۸۰، موقعی که جریان سیاست تجارت آزاد اتفاق افتاد دوباره ثروتمندان ثروتمند شدند این هم که بدهی کشورهای فقیر، روز به روز در حال افزایش است.

استاد: به خاطر همین کشورها دیگر کشور ثروتمند آنجا می‌آیند و اینها باید به کشورهای ثروتمند پول بدهند بدهی پیدا می‌کنند.

(پخش کلیپ)

یک فیلمی هست دو دقیقه خوب دقت کنید این فیلم دقیقا نابرابری در دنیا را می‌گوید.

بعد آقا یک سری عیوب را می‌فرمایند که مهمترین عیوب ما چیست؟

مهمترین عیوب: وابستگی اقتصاد به نفت؛

دولتی بودن بخش‌های اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست؛

نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی؛

استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور؛

بودجه بندی معیوب و نامتوازن؛

و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد؛

و عدم رعایت اولیتهای و وجود هزینه های زائد و حتی مُسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است.

بودجه بندی

بنده فقط یک جمله اش را عرض کنم، بودجه بندی معیوب:

سؤال: به نظر شما این بودجه‌هایی که سالانه این قدر سرش در مجلس دعوا می‌شود، برنامه بودجه به مجلس می‌رود؛

رئیس جمهور به مجلس می‌دهد، دعوا می‌شود، بحث می‌شود که اینقدرش برود این طرف و آن قدرش برود آن طرف، به

نظر شما آخر سال، چقدرش اجرا می‌شود؟

طبیعتا باید ۹۵٪ از آن اجرا شود دیگر؟! این گزارش تفریح بودجه‌ی سال ۹۵ است:

حدود ۲۰٪ از احکام قانونی رعایت شده، ببینید فقط از کل بودجه‌ای که می‌برند مجلس ۲۰٪ آن رعایت می‌شود بقیه

اش استفاده نمی‌شود، ۶۵٪ آن عدم رعایت تمام یا بخشی از احکام است، یعنی ۶۵٪ کلا رعایت نشده است.

بودجه بندی معیوبی که آقا گفتند همین است.

[یکی از حاضران از بودجه‌ی اختصاص یافته به حوزه‌های علمیه پرسید]

مثل هر سال، یک بودجه ای را برای حوزه علمیه می‌آورند که همه‌ی فحش‌هایش را حوزوی‌ها می‌خورند، تا حالا ۱ بار

یک ۱۰۰۰ تومان به حوزه ندادند، فقط اول می‌آورند، خصوصا این دولت که کاملا مشخص است با هدف است، در تمام

دولت‌ها بودجه‌ی حوزه‌ی علمیه بوده و هیچ دوره ای هم حوزه علمیه بودجه نگرفته است، چون اصلا سیستم حوزوی

دولتی نبوده، حتی احمدی نژاد اصرار کرد بدهد که مراجع موضع گرفتند، گفت: پس ما مدرسه می‌سازیم، بعد گفت

منزل برای طلبه‌ها هم می‌سازیم تا یک اندازه موافقت نشد، دولت از عمد می‌آید این بودجه را اعلام می‌کند که از این-

طرف هم طلبه‌ها فحش‌هایش را بخورند و ۴ نفر بی سواد مثل زیبا کلام هم مقاله می‌نویسند که بودجه‌ی حوزه‌ی علمیه

مساوی بودجه‌ی آبرسانی به ۲۰۰۰ روستا است، ولی هیچ وقت بودجه داده نمی‌شود.

ع- عدالت و مبارزه با فساد

وسوسه‌ی مال، مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین تاریخ یعنی حکومت خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی می‌دانند، هرگز بعید نبوده و نیست.

چرا وقتی فساد می‌شود فکر می‌کنید یک اتفاق عجیب افتاده؟

حُبُّ الدنیا راس کُلِّ خَطِيئَةٍ؛ وقتی کسی مسئولیت گرفت معمولاً فساد می‌کند، حکومت امیرالمؤمنین هم فساد داشت، دیگر ما در حکومت‌مان بهتر از ابن عباس نداشتیم، ابن عباس اختلاس می‌کند حضرت علی علیه السلام بالای منبر اشک می‌ریزد و می‌فرماید: وقتی نشود به ابن عباس اعتماد کنیم دیگر به که اعتماد کنیم؟

اختلاس

نکته‌ی عجیب، نکته ذهنیت بدِ بعضی از مردم که الان هم وجود دارد این است که اگر الان بگویند در فرانسه کسی اختلاس کرد دستگیرش کردند می‌گویند احسنت، این یعنی عدالت، بگویند در ایران یک نفر اختلاس کرد دستگیرش کردند، می‌گویند ببین همه دزدند! می‌گویند دستگیرش کردند، ۳۰۰۰ میلیارد را مردم از کجا متوجه شدند؟ قوه قضاییه مه‌آفرید امیرخسروی را دستگیر کرد مردم فهمیدند، حالا جمهوری اسلامی کار خوبی کرد دستگیرش کرد یا کار بدی کرد؟ می‌گویند خب پول‌ها را که نگرفتند، بابا ۳۰۰۰ میلیارد گرفتند، ۲ نفر جریمه شدند، ۱۲۰۰ میلیارد هم جریمه اش کردند و بیشتر گرفتند، شد ۴۲۰۰ میلیارد، بعد می‌گویند اگر راست می‌گویند اعدامش می‌کردند، خب مه‌آفرید خسروی را که اعدام کردند، جمهوری اسلامی دقیقاً باید چه کار می‌کرد که نکرد؟ حالا اگر همین جریان در یک کشور دیگر اتفاق می‌افتاد می‌گفتند ببین، این کشور دستگیر کرد، پولها را برگرداند جریمه‌اش هم کرد، اعدامش هم کرد آفرین، بابا شما مسلمان هستید، شما بهترین جای بهشت هستید.

رد صلاحیت

یک مثال دیگر عرض کنم:

اگر بگویند در آمریکا رئیس جمهور قبلی آمد رد صلاحیتش کردند، مردم چی می‌گویند؟ می‌گویند آفرین، ببین با هیچ کس تعارف ندارند، رئیس جمهور قبلی آنها فساد کرده است تایید صلاحیت نمی‌شود، اگر ببینند در ایران رئیس جمهوری قبلی آمد و رد صلاحیت شد، چه می‌گویند؟ می‌گویند معلوم نیست چه دزد و گرگی- هایی آن بالا است، چه بخور بخوری است؟ می‌گویم نظام آنقدر قدرت داشت که رد صلاحیت کرد طرف را، می‌گویند چه طور قبلش رد صلاحیت نشده بود؟ محاکمه‌ی قبل از جرم که نمی‌کنند! وقتی مسئول شد، فساد کرد بعد رد صلاحیتش کردند. در کره ی جنوبی از سال ۱۹۷۰ تا الان ۱۱ تا رئیس جمهور داشتند ۹ نفرشان به جرم اختلاس یا اعدام شدند یا دستگیر یا ازل شدند!

برخورد از روی تدبیر

می‌گویند با برادر رئیس جمهور چرا برخورد نمی‌شود؟ اولاً برادر رئیس جمهور، خواهر رئیس جمهور، هرکس هست، نظام جدا از اینکه قدرت دارد حکمت هم دارد، نظام می‌تواند در برخورد یکی از این فامیل‌ها اینگونه برخورد کند دو راه بیشتر ندارد:

- ۱- که آن شخص می‌گوید اگر دست به برادرم بزنید کابینه را ملقاء می‌کنم، جنگ داخلی. نظام هم می‌گوید به درک، دستگیری می‌کنم دلار می‌شود ۱۰۰ هزار تومان خوب بشود، مردم همه گرسنه می‌مانند، بمانند، خانه‌ها ۳۰، ۴۰ میلیارد تومان می‌شود، بشود، به جای آن ما دزد گرفتیم.
- ۲- یک تفکر دیگر می‌گوید باشد نیروهای امنیتی، برادر ایشان را زیر ذره بین داشته باشید، دو سال دیگر دوره اش تمام می‌شود طرف را دست بند می‌زنند می‌برند.

کدامیک عقلانی است؟

مگر معاون اول رئیس جمهور سابق، همین اتفاق برایش نیفتاد؟ رفتند دستگیرش کنند رئیس جمهور اعلام کرد: این خط قرمز من است، دستگیرش کنید کار تمام است همه استعفاء می‌دهند، نظام هم گفت اشکال ندارد، دو سال تحت الحفظ بود، دوره‌ی ریاست جمهوری رئیس جمهور تمام شد فرداش گرفتنش، این می‌شود قدرت نظام بعلاوه‌ی تدبیر.

مثل اینکه طرف به خدا می‌گوید خدایا اگر قدرت داری یک هواپیما بیاور تو این افاق ببینیم چه کار میکنی؟ خدا قدرت دارد اما حکمت هم دارد و می‌داند چه کند. بنده نگفتم در ایران فساد نیست و اینجا مدینه‌ی فاضله است، بلکه می‌خواهم ذهنیت را عرض کنم که برای برخی، نظام که چه دزد را بگیرد چه نگیرد متهم است، چه با دزد برخورد کند چه نکند متهم است. در جریان همین مه‌آفرید، امیر خسروی، به محض این‌که ۳۰۰۰ میلیاردش مطرح شد، BBC گزارشی داد و گفت: "نظام جرات نمی‌کند دستگیرش کند، گفت اینها همه با هم هستند، او را ببرند دادگاه آبروی همه را می‌برد" دادگاه برگزار شد حکم اعدامش آمد، BBC گفت جمهوری اسلامی با کدام اجازه با فعال اقتصادی خود اینطوری برخورد می‌کند؟! کمپین تشکیل دادند که نباید اعدام شود، این مظلومیت جمهوری اسلامی است، و سیاست دشمنان و حماقت برخی داخلی‌ها!

گرچه کم‌اش هم نباید باشد، آقا می‌فرمایند: البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتا پا فساد و فساد پرور بود، بسی کمتر است.

سی پی آی (CPI) و اف اس آی (FSI)

نگاه کنید یک شاخصه‌ای است که همیشه آن را بر سر ما می‌زنند، در همین مناظره‌ی تاج زاده با آقای زاکانی، همین را تاج زاده نشان داد، یک شاخصه است به نام شاخصه سی پی آی؛ شاخصه‌ی درک فساد، ما رتبه‌های آخر را داریم صدوسی و هشتم دنیائیم؛ آخرها هستیم. کشورهای اول: دانمارک، نیوزلند، فنلاند، سوئیس، سوئد، نروژ، آمریکا اینطور کشورها هستند، این کشورها کشورهای اول هستند. فرانسه، ژاپن، خوب است فساد کمتر انجام می‌شود.

یک شاخصه‌ی دیگری هم هست به نام شاخصه‌ی اف اس آی (Financial Secrecy Index)؛ شاخصه‌ی پنهان کاری مالی، همان کشورها: سوئیس، آمریکا، و بقیه‌ی کشورهای دیگر باز هم رتبه‌های اول را دارند. مگر می‌شود کشوری در پنهان کاری مالی اول باشد و در شفافیت مالی هم اول باشد؟! معیارشان را نگاه کنید، فساد در این کشورها قانونی است! فساد را نگاه کنید آمریکا دومین کشور است، سپس کشورهای اروپایی و بعد هم کشورهای شرق آسیا. ببینید کامل نشان می‌دهد همان کشورهایی که آنجا اول هستند، اینجا هم اول هستند.

(پخش کلیپ)

در این فیلم، فساد قانونی در آمریکا را نشان می‌دهد که چطوری فساد کرده است. فقط دو و نیم میلیون رشوه در دستگاه قضایی آمریکا سالانه گزارش می‌شود.

فساد شاه!

الحمدلله در زمان شاه یک رتبه‌ی برتر یافتیم! بله؛ ایران رتبه‌ی ۱ بود، در دنیا و نه تنها در دنیا، بلکه در تاریخ، ده دزد بزرگ تاریخ: رتبه‌ی ۱ آن مفتخر هستیم که محمدرضا پهلوی است. یوان اُ دی سی (UNODC) حفظ کنید، یک نهاد است ذیل سازمان ملل، برای مبارزه با مواد مخدر، قاچاق و فساد، می‌گوید: محمدرضا در سال ۱۹۷۹ حداقل ۳۵ میلیارد دلار دزدید، می‌گوید آمار حداکثرش را نداریم، بزرگواران ۳۵ میلیارد دلار را دقیقا می‌خواهید بفهمید چقدر؟ کل بودجه‌ی نفتی ما سال ۱۳۵۷، ۳۱ میلیارد دلار بوده است، ۳۵ میلیارد دلار یک نفره دزدید و بیچارگی این است که شاه کاپیتولاسیون را به خاطر چی تصویب کرد؟ به خاطر وام ۵۰۰ میلیون دلاری از آمریکا! به خاطر ۵۰۰ میلیون دلار کاپیتولاسیون تصویب شد، ۵۰۰ میلیون دلار، ۳۵ میلیارد دلار، ۷۰ برابر، خب ۵۰۰ میلیون می‌گذاشتید و کاپیتولاسیون را تصویب نمی‌کردید!

عدالت در صدر هدفهای اولیه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. اینکه می‌گوییم مقدس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه) محقق نخواهد شد.

یکی از اشتباهات ما این است که حکومت‌مان را با حکومت امام زمان (ارواحنافاده) مقایسه می‌کنیم، در صورتیکه حکومت ما در شرایطی شبیه به حکومت مهدوی نیست، بلکه در شرایطی شبیه به حکومت علوی است. نزدیک به یک سوم نامه‌ها در نهج البلاغه، در رابطه با اختلاس‌های کارگزاران است. پس شرایط ما شبیه شرایط حکومت علوی است.

البته ما نمی‌گوییم باید فساد انجام شود! می‌گوییم این که می‌گویند یک فساد در دوران امام زمان (ارواحنافاده) اتفاق نمی‌افتد چون حکومت مهدوی است و شرایط خاص خود را دارد، در حکومت علوی یعنی حکومتی که مردم به صورت معمول حضور دارند اختلاس هم هست حقوق‌های نجومی هم هست که البته نباید باشد، مردم حکومت می‌کنند جایی که مردم حکومت می‌کنند این فسادها هم اتفاق می‌افتد.

اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری

این تفکر نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری است که می‌گوید دنیا مثل کیک است.

اقتصاد لیبرال چه می‌گوید؟ یکی از مهمترین حامیان اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری، آقای روحانی است، که در صحبت‌هایشان هم خیلی می‌گویند. اینها می‌گویند اقتصاد مثل کیک است، این اقتصاد هر چه بزرگتر شود آن یک قطعه اش که به فرد مستضعف می‌رسد بزرگتر می‌شود. مثلا عرض می‌کنم، اگر شما یک کیک داشته باشید اندازه‌ی این کاغذ، که بخواهید ۱۰۰ قسمت کنید، به هر کس اندازه‌ی یک قوطی کبریت هم نمی‌رسد اما اگر کیک بزرگتر شد و اندازه‌ی این اتاق شد، یک قسمتش اندازه‌ی میز می‌شود، اینها می‌گویند ما اقتصاد را بزرگ کنیم، اقتصاد را باز کنیم، آن موقع به فقیر جامعه هم بیشتر برسد و ثروتمند هم ثروتمندتر شود.

اقتصاد باز یعنی ما تصدی‌گری دولت را در بازار به یک صورتی قرار دهیم که اشباع شود، گرانی را دیدید، بالاتر می‌رود و اقتصاد باز می‌شود. اینها می‌گویند همینطور اقتصاد برود تا این کیک بزرگتر شود، ثروتمند ثروتمندتر، فقیر هم کمی نوای بیشتری بهش می‌رسد، اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری می‌گوید کیک اقتصادی را بزرگ کن.

گاردین گزارش می‌دهد از وضع کیک در آمریکا:

بیا بیایم آمریکا را به ۵ تا ۲۰ قسمت تقسیم کنیم، ۲۰٪ ثروتمند جامعه، ۹۰ قسمت کیک را می‌خورند و ۸۰٪ افراد فقیر باقی‌مانده، فقط ۱۰ قسمت کیک را می‌خورند. می‌گوید ۲۰٪ دوم ۸ قسمت کیک را می‌خورند، ۲۰٪ سوم دو قسمت کیک را می‌خورند، ۲۰٪ چهارم اصلا کیک ندارند که بخورند، ۲۰٪ پنجم هم منهای یک قسمت کیک، و روز به روز فقیرتر می‌شوند. در این ۶ سال عینا دیدید که فقرا روز به روز فقیرتر شدند، ببینید چون اینها گند زدند، پولدارها هم فقیرتر شدند، یعنی اینها دیگر کلا همه چیز را به هم زدند، حداقل می‌گذاشتید کارخانه دارها پولدارتر شوند، نه دیگر.

بی‌عدالتی در دنیا چگونه است؟

این روند افزایشی ثروتمندان در دنیا است:

۱٪ ثروتمند در دنیا تا سال ۲۰۵۰ مالک ۴۰٪ ثروت کل دنیا خواهد شد، ۱ دهم درصد مالک ۲۵٪ ثروت کل دنیا و ۱ صدم درصد مالک ۱۷٪ ثروت کل دنیا خواهد شد.

بیا بیایم آمریکا ببینیم چگونه است؟ خوب دقت کنید: ۱۰۰٪ جمعیت آمریکا را تصور کنید، ۱۰٪ ثروتمندش چقدر ثروت دارند؟ ۸۰٪ ثروت آمریکا در سیطره‌ی اینها است، حالا شما ۱۰٪ را دو تکه کنید، یک ۱٪ یک ۹٪ دیگر، که این دو روی هم می‌شوند ۱۰٪، این دو از هم جدا شوند، یک درصد ۴۰٪ ثروت آمریکا را دارد، آن ۹٪ دیگر هم ۴۰٪ این دو با هم چقدر می‌شوند؟ ۸۰٪ ثروت ۱۰٪ می‌شود.

فساد یعنی این: اینها چون ثروت دارند لابی می‌کنند؛ یعنی به کنگره‌ی آمریکا پول می‌دهند، قانونی هم هست، کنگره یک قانونی به نفع ثروتمندان تصویب می‌کند و فقیرها فقیرتر می‌شوند، این نیست که طرف با عرضه بوده یک کارخانه زده، حالا مالک کل دنیا هم شده، واقعا اینطوری نیست، اینها همه با لابی‌گری (Lobbying) به اینجا رسیده‌اند که نمونه‌ی مکزیکی را خدمتان بگویم.

خب ۴۰٪ ثروت آمریکا برای ۱٪ بود، حالا ۱٪ را دو تکه کنیم
یک یکدهم٪، یک ۹ دهم٪، اینها باهم می‌شود ۱٪، یک دهم درصد در آمریکا حدود ۲۲٪ ثروت را دارند، این ۹ دهم
درصد دیگر هم حدود ۲۰ تا، این دو تا روی هم می‌شوند ۴۰٪ که شدند ۱٪، باز آن ۱٪ و ۹٪ را روی هم بگذاریم می-
شود ۸۰٪، دیدید نوع ثروت چگونه بود؟

این هم روند نا برابری در آمریکا از سال ۱۹۸۰:
این سهم درآمد ۱٪ ثروتمند آمریکا، این درآمد ۴۰، ۵۰٪ پایین جامعه‌ی آمریکا، روز به روز آنها پولدارتر شدند اینها
فقیرتر شدند. این هم حقوق که عرض کردم خدمت‌تان، در آمریکا فاصله‌ی حقوقی ۳۵۴ برابر تا این کشورهای دیگر
است.

۵- استقلال و آزادی

آقا می‌فرمایند:

این ثمر شجره‌ی طبیعی انقلاب (یعنی استقلال) را با تأویل و توجیه‌های ساده لوحانه و بعضاً مغرضانه،
نمی‌توان درخطر قرار داد.

منظور ایشان چیست؟

کتابی نوشته شده به نام الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، این کتاب کجا نوشته شده؟ مجمع تشخیص مصلحت نظام،
چه زمانی نوشته شده؟ سال ۱۳۸۶، ذیل دقیقاً کدام قسمت تشخیص مصلحت؟ مرکز استراتژیک تشخیص مصلحت
نظام، رئیس آن کیست؟ آقای روحانی، این کتاب آنجا نوشته شده است، جمع‌آوری مقالات است، مسئول همایش
کیست؟ آقای دکتر محمود واعظی، ایشان چه کسی هستند؟ الان رئیس دفتر رئیس جمهور.
ایشان در مقدمه‌ی این کتاب این جمله را می‌نویسد:

براساس راهبردهای تحقق توسعه از الگوهای گذشته که برپایه‌ی مفاهیمی مانند خودکفایی، استقلال و انزوا (یعنی ما
۴۰ سال است انزوا داشتیم، ببینید چه اصطلاحاتی را کنار هم می‌آورد؟! خودکفایی و استقلال را کنار انزوا می‌آورد) از
نظر محتوایی فاصله گرفتند و به الگوی توسعه برون‌گرا نزدیک می‌شوند، که البته در این الگو مفاهیم خودکفایی و
استقلال باز تعریف می‌شدند، شاخص توسعه‌گرایی حاکم بر جهان کنونی بر اساس راهبرد تعامل می‌باشد چرا که
راهبرد انزواگرایی مانع از توسعه می‌شود. (در ادامه یک مقاله ای میاد همین قسمتش را بخوانم) زیرا در فرآیند توسعه-
ی کشورها، ناگزیر باید بخشی از اقتدار حاکمیتی خود را به نهادهای بین‌المللی واگذارکنند.

حالا شما برید بالا، بیابید پایین، بگو اف ای تی اف (FATF) بد است، یعنی شما فکر کردید دولت نمی‌داند اف ای تی
اف چیست؟ می‌گوید باید بعضی از حاکمیت، مثل اختیاراتی که رهبری دارد را از ایشان بگیریم بدهیم به سازمان ملل!

نقد شاخصی آزادی در غرب

غربی‌ها رتبه‌ی ما را پایین‌ترین رتبه می‌دانند، چون ما حقوق سیاسی همجنس‌بازان را رعایت نمی‌کنیم (!) یا ما در مردم سالاری از عربستان پایین‌تریم! شما می‌دانید آخرین انتخابات عربستان چه زمانی بوده؟ موقعی که از هر قبیله‌ای یک نفر انتخاب شد که بروند پیامبر را بکشند، آخرین انتخابات عربستان است، حالا به ما می‌گویند شما از عربستان پایین‌تر هستید، می‌پرسیم چرا؟ می‌گویند چون شما شورای نگهبان دارید، ما سؤالمان این است که یک کشور پیدا کنید که شورای نگهبان نداشته باشد، این شورای نگهبانان در کشورهای مختلف (تصویر)

شورای نگهبان

شورای نگهبان دو وظیفه در انتخابات دارد: ۱- تایید صلاحیت‌ها ۲- صیانت از آراء مردم یکی مربوط به قبل از انتخابات و دیگری مربوط به بعد از آن. این تصویر را نگاه کنید: تمام کشورهای که شورای نگهبان دارد.

✓ نوع نهادهای ناظر بر قانون اساسی - که در ایران شورای نگهبان است - در دنیا ۴ مدل است:

۱- دادگاه عالی

۲- قانون شورای عالی

۳- دادگاه عالی

۴- یکی شورای قانون اساسی یکی نوع دیگر.

✓ دادگاه عالی:

۱- مدل اروپا

۲- مدل آمریکا

۳- مدل غیره

✓ شورای عالی دو مدل دارد:

۱- مدل اروپا

۲- یا مدل غیر آن

✓ شورای قانون اساسی:

۱- مدل فرانسه

۲- مدل اروپا

شبهه‌ی دور

خب ما کجا هستیم؟ مدل فرانسه، می‌گوید ایران در مدل فرانسه است، یعنی عین فرانسه است، کشورهای دیگر هم هرکدام مدل‌های مختلف دارد که می‌گوید. بعد می‌گویند: شما شبهه دور را دارید. کدام کشور شبهه‌ی دور را ندارد؟!

در آمریکا چه کسی رئیس جمهور را تایید می‌کند؟ دادگاه عالی، اعضای دادگاه عالی را چه کسی مشخص می‌کند؟ رئیس جمهور. در فرانسه چه کسی تایید می‌کند؟ رئیس جمهور، چه کسی رئیس جمهور را باید تایید کند؟ همان‌ها. در ترکیه و در همه‌ی کشورها ... پس در همه‌ی کشورها اگر بخواهد کسی بگوید آن افراد مجلس که می‌آیند فلانی انتخابش کرد، خب اکثر دنیا رئیس جمهور، آن شورا را انتخاب می‌کند، آن شورا هم آنها را تایید می‌کند، تازه کشور ما پیچیدگی خاصی دارد، یک نوع‌آوری ویژه‌ای دارد که بر اساس فقاقت نوشته می‌شود، بر اساس رهبری است. اگر مشخص شود که ولی‌فقیه یک کار فاسدی انجام داده از رهبری عزل می‌شود [نه ۴ سال بعد، بلکه فوری]، هیچ جای دنیا چنین چیزی نیست.

مورد بعدی هم کشور ما شبهه‌ی دور اتفاق نمی‌افتد، جدای از اینکه رای مردم است، به دلیل این است که مردم امام (ره) را انتخاب کردند، امام هم اولین خبرگان را انتخاب کردند، اینجا هیچ دوری اتفاق نمی‌افتد، خبرگان بعدی را خبرگان قبلی تایید می‌کند، لذا شورای نگهبان خیلی موضوعیت نداشت، در واقع خبرگان الان هم با واسطه توسط همان مردم انتخاب شده بودند، دوری اتفاق نیفتاده است. البته توضیح دارد که الان زمان برای آن نداریم.

عواقب وابستگی

کاهش ارزش پول ملی

یکی از عواقب وابستگی این است که ارزش پول ملی کم می‌شود، در کشور ما می‌بینید که پول ملی ارزشش کم است، اما آیا فقط در کشور ما کم می‌شود، خیر همه جا کم می‌شود:

برزیل

سال ۴۲، سه تا صفر پولش را حذف کرد، سال ۶۷ سه تا صفر دیگر را حذف کرد، سال ۸۶ سه تا صفر دیگر، سال ۸۹ سه تا صفر، سال ۹۳ سه تا صفر دیگر، سال ۹۴ یک تغییری ایجاد کرد، سال ۹۰ باز تغییری ایجاد کرد، ما ۵۰ سال است که هنوز صفری حذف نکرده‌ایم؟

ترکیه

سال ۲۰۰۵، شش تا صفر از پولش را حذف کرد.

فرانسه

دو تا صفر از پولش را حذف کرد.

حالا ما تازه می‌خواهیم ۴ تا صفرمان را حذف کنیم.

می‌دانید که چرا ارزش پول ملی کم می‌شود؟

یکی از مهمترین دلایلش این است که واردات بیشتر از صادرات باشد، مردم اگر مصرف‌گرا باشند و واردات زیاد باشد ارزش پول ملی کم می‌شود، این هم یکی از عواقب وابستگی، که هر کشوری وابستگی‌اش چگونه است؟

آمار فقر

امارات

نرخ فقر امارات رازی شرم‌آور است، چون گزارش نمی‌دهند، ۱٪ ثروتمند کشور امارات، مالک نیمی از ثروت جامعه هستند! ۱٪ در امارات نیمی از ثروت جامعه‌ی امارات را دارند!

اندونزی

در اندونزی از ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت، ۴ نفر ثروتمند بیشتر است، این تصاویر، که می‌بینید چطوری تفاوت دارند.

مالزی

می‌گویند مالزی فقرش را به صفر رسانده، در صورتیکه ۴۰ سال است خط فقر مالزی تغییر نکرده است، مثل اینکه ۴۰ سال پیش خط فقر کشور ما ۱۰۰۰ تومان بوده، الان بگوییم ما مفتخر هستیم یک نفر فقیر نداریم، با کدام خط فقر؟ ۱۰۰۰ تومان در ماه، مالزی این کار را کرده بعد می‌گویند اگر واقعا حساب کنیم، مالزی الان بیش از ۲۰٪ فقیر دارد. ۴ دهم درصد ثروتمند کشور مالزی، مالک نیمی از موجودی تمام حساب‌های بانکی مالزی هستند. (تصویر)

ترکیه

تقریبا ۲۲٪ زیر خط فقر هستند.

مکزیک

همین تصویر را ببینید برای کل بحث بس است.

می‌گویند اگر شاه بود وضع خوب بود، فِرِد هالیدی (Fred Halliday) یک مقاله‌ای نوشت که در پایگاه هاتسون چاپ شده است، سال ۱۹۷۵، می‌گوید اگر سیاست پهلوی ادامه پیدا کند، ایران در خوشبینانه‌ترین حالت از لحاظ اقتصادی پشت سر مکزیک قرار می‌گیرد، الان مکزیک کجا است؟ که ما قرار بوده پشت سرش قرار بگیریم؟ این فقر مکزیک است: چهل‌وشش و دو دهم درصد، یعنی ما در خوشبینانه‌ترین حالت ۵۰٪ زیر خط فقر داشتیم، الان چقدر هستیم، ۱۱٪. آمار بانک جهانی است، در دوره‌ی احمدی‌نژاد ۸/۱ دهم٪.

این هم برزیل است.

آفریقای جنوبی هم این است.

۶- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

این که هیچ کس به آمریکا اعتماد ندارد را می‌خواستیم بگوییم.

می‌بینید خود کشورهای مختلف، مثلاً آلمان اعلام می‌کند نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد.

خود مردم آمریکا هم به آن اعتماد ندارند، این پایین‌ترین حد میزان اعتماد عمومی به دولت است، ببینید از کجا به کجا رسیده؟!

این هم خیانت‌هایی که به ما شد.

این نمونه‌ی خیانت‌هایی که آمریکا به کشورها انجام داد، مثلاً لیبی، یک گزارشی است از نشنال اینترست گزارش می‌دهد، خیلی گزارش مهمی است، می‌گوید الگوی لیبی در مقابل کشورها قرار گرفته، یعنی خیانتی که آمریکا به لیبی کرد در مقابل کشورها قرار دارد، حُکام مختلف به این فکر می‌کنند، بعد می‌گویند حالا در مقابل کشورها دو تا الگو قرار گرفته است: حصنی مبارک و بشار اسد، یکی به آمریکا اعتماد کرد، یکی به ایران. می‌گوید این دو تا الگو در مقابل همه کشورها قرار گرفته است، خیلی مهم است.

۷- سبک زندگی

در رابطه با سبک زندگی هم آقا می‌فرمایند:

سخن در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وا می‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

بنابراین ما هم این را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم، فقط همین یک تیتراژ مجله‌ی انجمن روانشناسان آمریکا را ببینید که می‌گوید: سبک زندگی آمریکایی، سبک زندگی سمی و زهر آلود؛ حالا به جای اینکه شما بگویید سبک زندگی آمریکایی خراب است، خودشان می‌گویند خراب است.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته